



امور



دریں نامہ نامی کریمتی

سطح

بہ سفارتش شبیکہ ملی تبلیغ مدارس

عنوان و نام پدیدآور : آموزه دفتر اول درس نامه های تربیتی سطح ۱ / تهیه کننده معاونت پژوهشی موسسه فرهنگی

هنری یاران سبز موعود (عج)؛ به سفارش شبکه ملی تبلیغ مدارس.

مشخصات نشر : قم: خاکیان ، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۲۱۶ص.

شابک : ۳۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۵۵۶-۲-۰

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : عنوان دیگر: آموزه سطح ۱.

عنوان دیگر : آموزه سطح ۱.

موضوع : اسلام - تبلیغات

موضوع : نوجوانان و اسلام

موضوع : اسلام - مسائل متفرقه

شناسه افزوده : موسسه یاران سبز موعود (عج)

شناسه افزوده : شبکه ملی تبلیغ مدارس

رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ ۸۲/۱۱/۶۲BP

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۰۴۵

شماره کتابشناسی ملی : ۸۴۱۷۵۴۲

انتشارات

خاکیان

نام کتاب:..... آموزه؛ سطح ۱

ناشر:..... خاکیان

نوبت چاپ:..... دوم / ۱۳۹۰

چاپخانه:.....

شمارگان:..... ۱۰۰۰ نسخه

قیمت:..... ۳۰۰ تومان

کلیه حقوق برای مؤسسه یاران سبز موعود (عج) محفوظ می باشد.

به سفارش شبکه ملی تبلیغ مدارس

مرکز پخش: ۰۹۱۲۴۵۲۲۷۸۴ - تلفکس: ۰۲۵۱۷۸۴۰۶۳۰ - ۰۲۵۱۷۷۴۲۵۳۴

سیره‌ی پیامبر اعظم ﷺ

(جلسه اول)

راهبرد جلسه

در این درس بدون پرداختن به حاشیه‌ها، به روش زندگی پیامبر ﷺ در بخش سیره فردی حضرت اشاره می‌کنیم، تا از این رهگذر الگوی مناسب رفتاری را به دانش‌آموزان معرفی نماییم.

مذابیت اولیه کلاس

برای همه‌ی ما جالب است بدانیم پیامبر ﷺ چگونه زندگی می‌کردند؟ شیوه‌ی راه رفتن، غذا خوردن، خوابیدن، شوخی و عبادت و... ایشان چه بوده است؟ پیامبری که به عنوان الگوی کامل زندگی بشریت تا همیشه بوده و رفتار و گفتارشان برخاسته از وحی الهی و مطابق با دستورات خداوند است.

یادآوری

۱. از خواندن متن عربی روایات - جز در موارد محدود و خاص -

پرهیز کنید.

۲. بیان مصادیق و نمونه‌های عینی و به روز، برای دانش‌آموزان با

استفاده از متن درسنامه و نیز نکته‌برداری اساتید محترم، به جذابیت

و کاربردی شدن کلاس خواهد افزود.

برخی از آنها در متن ذکر شده است و اساتید محترم می‌توانند

نمونه‌های دیگری را نیز بدان اضافه کنند.

پیوند با موضوع اصلی

عاشق نماز بود

درباره‌ی عبادت آن حضرت از طرق مختلف نقل شده است: چون

وقت نماز می‌رسید، چنان منقلب می‌شد که گویا از مدت‌ها قبل

منتظر فرا رسیدن چنین وقتی بوده و در این حال نه او کسی را می

شناخت و نه کسی او را.^۱

به راستی همان‌گونه که خود بارها اشاره داشت، نور چشمش در

نماز و روزه بود: «قرة عینی فی الصلوة و الصیام».^۲

روزی به ابوذر غفاری فرمود: ای اباذرا خداوند متعال، نماز را

محبوب دل من ساخته است، همان‌گونه که غذا را محبوب دل

۱. مستدرک الوسائل، کتاب الصلاة، باب ۲، حدیث ۱۷.

۲. همان ص ۲۷۸.

گرسنگان و آب را مطلوب تشنگان قرار داده است؛ ولی گرسنه و تشنه از غذا و آب سیر می‌شوند، اما من هرگز از نماز سیر نمی‌شوم.^۱ در روایت دیگری دارد که رسول خدا ﷺ وقتی که نماز می‌خواند، مانند پارچه‌ای می‌شد که در گوشه‌ای افتاده باشد.^۲

همسر پیامبر ﷺ گفته است: رسول خدا ﷺ برای ما و ما برای او سخن می‌گفتیم، همین که موقع نماز می‌شد، حالتی به خود می‌گرفت که گوئی نه او ما را می‌شناخته و نه ما او را می‌شناخته‌ایم.^۳

همیشه در انتظار نماز بود

كان النبي ﷺ يَنْظُرُ وَقْتَ الصَّلَاةِ وَ يَشْتَدُّ شَوْقَهُ وَ يَتَرَقَّبُ دُخُولَهُ؛
پیامبر اکرم ﷺ برای وقت نماز انتظار می‌کشید و شوقش برای عبادت افزون می‌شد و چشم به راه رسیدن وقت نماز بود.^۴

در روایت دیگر آمده است: رسول خدا ﷺ هیچ چیز را، نه غذا و نه غیر آن را بر نماز، مقدم نمی‌داشت. هرگاه وقت نماز فرا می‌رسید، نه خانواده می‌شناخت و نه دوست.^۵

یک نکته

اما دوستان من! با تمام توجهی که آن حضرت در قبال نماز

۱. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۰۴ و ۳۰۶ از ابواب صوم مندوب.

۲. مستدرک، ج ۱، ص ۲۶۳.

۳. همان، ص ۲۶۴.

۴. سنن النبی، ص ۲۶۸، حدیث ۲۵۷.

۵. سنن النبی، ص ۲۶۸.

داشت، ولی حاضر نبود بچه‌ها را از خود ناراحت کند. به این داستان خوب گوش کنید.

روزی پیامبر ﷺ، همراه بلال، از کوچه‌ای می‌گذشتند. بچه‌ها مشغول بازی بودند، همین که پیامبر را دیدند، دور او حلقه زدند و دامنش را گرفتند و گفتند: همان‌طور که حسن و حسین را بر شانه‌تان سوار می‌کنید، ما را هم بر شانه‌ی خود سوار کنید. بچه‌ها، هر یک گوشه‌ای از دامن پیامبر را گرفته بودند و با شور و اشتیاق، همین جمله را تکرار می‌کردند.

پیامبر ﷺ با دیدن این همه شور و شوق، به بلال فرمودند: «ای بلال! به منزل برو و هرچه پیدا کردی، بیاور تا خود را از این بچه‌ها بخرم».

بلال، با عجله رفت و با هشت گردو برگشت.

پیامبر، هشت گردو را بین بچه‌ها تقسیم کردند و بدین ترتیب، خود را از دست بچه‌ها رها کردند و به همراه بلال، به راه‌شان ادامه دادند.

در راه، پیامبر ﷺ رو به بلال کردند و به مزاح گفتند: «خدا برادرم، یوسف صدیق را رحمت کند. او را به مقداری پول بی‌ارزش فروختند و مرا نیز به هشت گردو معامله کردند».^۱

این داستان بدین گونه نیز نقل شده است:

گروهی از کودکان مشغول بازی بودند. ناگهان با دیدن پیامبر ﷺ که به سمت مسجد می‌رفت، دست از بازی کشیدند و به سوی حضرت دویدند. آن‌ها اطراف حضرت حلقه زدند و چون دیده بودند پیامبر اکرم ﷺ، حسن ﷺ و حسین ﷺ را به دوش خود می‌گیرد و با آن‌ها بازی می‌کند، به این امید، هر یک دامن پیامبر را گرفته، می‌گفتند: «شتر من باش!»

پیامبر ﷺ می‌خواست هر چه زودتر خود را برای نماز جماعت به مسجد برساند، اما دوست نداشت دل پاک کودکان را برنجاند. از آن طرف، بلال در جستجوی پیامبر ﷺ از مسجد بیرون آمد، وقتی جریان را فهمید، خواست بچه‌ها را تنبیه کند تا پیامبر را رها کنند.

آن حضرت وقتی متوجه منظور بلال شد، به او فرمود: «تنگ شدن وقت نماز برای من، از این که بخواهم بچه‌ها را برنجانم بهتر است.»

پیامبر ﷺ از بلال خواست برود و از منزل چیزی برای کودکان بیاورد.

بلال رفت و با هشت دانه گردو برگشت. پیامبر ﷺ هم گردوها را بین بچه‌ها تقسیم کرد و آن‌ها راضی و خوشحال، به بازی خودشان مشغول شدند.^۱

در حال نماز می گریست

كَانَ يَبْكِي حَتَّى يَبْتَلُ مُصَلَّاهُ خَشْيَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ غَيْرِ جُرْمٍ؛
آن قدر در نماز گریه می کرد، تا جانمازش تر می شد، گریه اش از
خوف خدا بود، بی آن که جرمی داشته باشد.^۱

تا بیدار می شد سجده می کرد

هیچ گاه از خواب بیدار نشد، مگر این که سر بر خاک نهاد و
برای خدا سجده کرد.^۲

با صدای زیبا قرآن می خواند

كَانَ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ؛

از همه ی مردم، زیباتر و خوش آهنگ تر قرآن می خواند.^۳
فضیلت و عظمت قرآن، فوق درک انسان خاکی است و باید
فضیلت آن را از خود آن بزرگواران شنید. در روایتی پیامبر ﷺ
می فرماید: اعبد الناس اكثرهم تلاوةً للقرآن؛ عابدترین مردم، کسی
است که بیشتر تلاوت قرآن کرده باشد.^۴

در روایت دیگری آن حضرت فرمود: هر کس برای تحصیل
رضای خدا و فهم دین، قرآن بخواند، پاداش و ثواب وی، همانند
پاداش و ثواب همه ی فرشتگان و پیغمبران می باشد.^۵

۱. سنن النبی، ص ۲۲.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۲۹.

۳. سنن النبی، ص ۳۱۱.

۴. کنز العمال، ج ۱، ص ۵۱۰.

۵. فرهنگ عاشورا، جواد معدنی، ص ۲۹۳.

پیامبر گرامی (ص) به سلمان فارسی فرمود: هر تو باد که قرائت قرآن کریم کنی، زیرا قرائت قرآن کفاره گناهان و پوششی در آتش و ایمنی از عذاب است...

مؤمن چون قرائت قرآن کند، خدا به وی نظر رحمت فرماید.^۱ ایشان می‌فرمود: هر کس در شب، ده آیه از قرآن را تلاوت کند، او را از غافلان ننویسند و هر کس پنجاه آیه تلاوت کند، او را از ذاکران ننویسند و هر کس صد آیه تلاوت کند، او را از مطیعان و داعیان ثبت کنند.^۲

قرآن بفهوان ای دانش‌آموز فضیلت	زیرا کمال روح انسان است قرآن
قرآن کتاب زندگی باشد برادر	مسطوره‌های از عرش رمان است قرآن
بر جان اهل دین و ایمان نور هستی است	بر اهل باطل فشم نیران است قرآن ^۳

زیاد دعا می‌کرد

سیره‌ی دائمی رسول خدا (ص) در دعا این بود که غیر از دعاهای معمول روزانه، هر روز هفتاد مرتبه ذکر استغفار و ذکر توبه را انجام می‌داد: «کان رسول الله یستغفر الله فی کل یوم سبعین مرة و یتوب الی الله سبعین مرة».^۴

امام صادق (ع) می‌فرماید: روزی رسول معظم (ص)، در کوه صفا حرکت کردند و برای حاجی‌ها خطبه‌ای ایراد نموده و فرمودند:

۱. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۵۲.

۲. قاموس قرآن، ج ۱، ص ۳.

۳. حجة الاسلام صدیق عربانی.

۴. کافی، ج ۲، ص ۵۰۵.

«یا بنی هاشم یا بنی عبد المطلب انی رسول الله الیکم و انی شفیع علیکم و ان لی عملی و لكل رجل منکم عمله...؛ ای فرزندان بنی هاشم و عبد المطلب! من رسول خدا هستم و برای شما مبعوث شده و دوستی مهربان برای تان می‌باشم، ولی آگاه باشید من مرهون عمل خود هستم و هر یک از شما نیز در گرو اعمال تان می‌باشید، نگویید: محمد از ماست و به زودی جایگزین او می‌شویم.

بدانید دوستان راستین من از شما و غیر شما، جز افراد باتقوا نخواهند بود. اگر فردای قیامت وزر و وبال دنیا را بر پشت خود حمل کنید، من شما را نخواهم شناخت و اگر مردمی بیایند که ثواب آخرت را به دوش می‌کشند، آنان را خواهم شناخت. پس با زاد و توشه‌ی تقوا و اخلاص وارد عرصه‌ی محشر شوید.^۱

علی علیه السلام یار و همراه همیشگی آن حضرت فرمود: هر وقت خمیازه، رسول خدا صلی الله علیه و آله را می‌گرفت، آن جناب آن را با دست راست خود رد می‌کرد (یعنی دست راست را جلوی دهان مبارک خودشان می‌گرفتند).

ساده زندگی می‌کرد

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مثل بندگان بر زمین می‌نشست، مثل بندگان بر روی زمین غذا می‌خورد و بر روی زمین می‌خوابید. وقتی که یک زن بدوی (روستایی) به آن حضرت گفت: چرا

مثل بندگان غذا می‌خوری و می‌نشینی؟

حضرت فرمود: «ویحک! ای عبد اعد منی؟ وای بر تو! چه کسی از من بنده‌تر است؟»^۱

نکته: البته استفاده از مبل و صندلی و میز غذا و... اشکالی ندارد، به شرطی که از روی تفاخر، تجمل‌پرستی و اسراف‌گونه نباشد. رهبر بزرگ جهان اسلام، از نظر امکانات مادی و زندگی هم‌تراز طبقات پایین جامعه آن روز زندگی می‌کرد و از تنوع‌طلبی و تجمل‌گرایی پرهیز داشت.

حضرت علی رضی الله عنه زهد و پارسایی و ساده‌زیستی پیامبر صلی الله علیه و آله را چنین توصیف می‌فرماید: پیامبر از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند و به دنیا به گوشه‌ی چشم نگریست، دو پهلویش از تمام مردم فرو رفته‌تر و شکمش از همه خالی‌تر بود.

وسایل شخصی داشت

وَكَانَ صَلَّى يَنْظُرُ فِي الْمِرَاةِ وَ... وَ لَقَدْ كَانَ يَتَجَمَّلُ لِأَصْحَابِهِ فَضُلًّا عَلَيَّ
تَجَمُّلُهُ لِأَهْلِهِ؛

رسول خدا صلی الله علیه و آله در آینه نگاه می‌کرد، موی سر خود را شانه می‌زد، گاهی هم به جای آینه، در ظرف آب نگاه می‌کرد و موی سر خود را مرتب می‌ساخت. ضمن این که در خانه آراسته بود، برای برادران

دینی هم خود را می آراست».^۱

در روایت آمده است: آن حضرت دستمال و حوله‌ای داشت که پس از وضو چهره‌ی خود را با آن خشک می کرد و اگر حوله و دستمالی همراه نداشت، با گوشه‌ی لباس خود صورت را خشک می کرد.^۲

نکته: البته باید مواظب بود که به بهانه‌ی تمیزی و نظافت ظاهر، هر روز به یک رنگ در نیایم و با وسواس، ساعت‌ها وقت‌مان را جلوی آینه نگذرانیم.

همیشه عطر می زد

رسول خدا ﷺ با مشک و عنبر خود را خوش بو می ساخت.^۳

هزینه کردن برای عطر بسیار پسندیده است و به روایت امام صادق (ع)؛ «پیامبر خدا ﷺ بیش تر از خوراک و طعام برای عطر هزینه می کرد.»^۴ به گونه‌ای که از بوی خوشی که در فضا باقی می ماند، می فهمیدند که رسول گرامی از آن جا عبور کرده است.^۵

۱. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۹.

۲. شاید برخی اشکال کنند که مستحب است اعضای وضو را خشک نکنند تا به خودی خود خشک گردند؛ در پاسخ باید گفت؛ اولاً روایت پیرامون خشک کردن چهره است، ضمن این که طبق فتوای برخی مراجع از جمله مقام معظم رهبری (حفظه الله) خشک کردن اعضای وضو با حوله یا پارچه مشخصی برای این کار، کراهتی ندارد. ایشان می فرماید: إِذَا عَيْنَ لِذَلِكَ الْعَمَلِ مِنْدِيلًا أَوْ قِطْعَةً قَنَاشَ خَاصَّةً، فَلَا إِشْكَالَ فِيهِ. (أجوبة الاستفتائات، ج ۱، ص ۴۴).

۳. همان.

۴. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۸.

۵. کافی، ج ۱، ص ۴۴۲.

موقع خواب مسواک می‌کرد

وَكَانَ يَسْتَاكُ إِذَا ارَادَ أَنْ يَنَامَ وَيَأْخُذُ مَضْجَعَهُ؛

پیامبر اعظم ﷺ موقع خواب مسواک می‌کرد.^۱

آری! ایشان دندان‌هایش پیوسته برآق و سفید بود و امت خویش را هم به مسواک زدن دستور می‌داد.

لباس ساده می‌پوشید

لباس، برای پوشاندن بدن و حفظ آن از سرما و گرما و آلودگی و مایه‌ی آبرو و آراستگی انسان است.

پیامبر اکرم ﷺ، هرگز ارزش انسان را در ظاهر و نوع لباس او نمی‌دید.

ساده‌زیستی رسول خدا ﷺ و وابسته نبودن به جلوه‌های فریبنده‌ی دنیا و به ناز و نعمت آن دل‌نبستن و به جلوه‌های مادی، دل‌خوش نداشتن، در همه‌ی شوون زندگی وی متجلی بود، از جمله در کیفیت و نوع لباس و فرش و زیر انداز.

نقل شده، گاهی آن حضرت روی حصیر می‌خوابید، بی آن‌که چیز دیگری زیرش باشد.

مهم، مباح بودن لباس بود که برای رسول خدا ﷺ اهمیت داشت، نه قیمت و جنس و دوخت و جذاب بودن و مد روز بودن آن!

لباس سفید را دوست داشت

بیشتر جامه‌های پیامبر ﷺ سفید بود و می‌فرمود: «لباس سفید را بر زندگانتان بپوشانید».^۱

رسول خدا ﷺ، هم به سلامت و عافیت جسمی، هم به سادگی و هم به نوع سالم‌تر پارچه‌ی لباس توجه داشت.

لباس پنبه‌ای مورد علاقه‌ی آن حضرت بود. علی رضی الله عنه می‌فرماید: لباس‌های پنبه‌ای بپوشید، چرا که آن، لباس پیامبر خداست.^۲

رسول خدا ﷺ، نمونه‌ی اعلا‌ی تمیزی و آراستگی بود. در لباس پوشیدن نیز به این نکته توجه داشت و در مورد نظافت جامه می‌فرمود: «مَنْ اتَّخَذَ ثَوْبًا فَلْيُنْظِفْهُ».^۳

نکته: لباس سفید، خود به خود طوری است که چرک و آلودگی زودتر در آن معلوم می‌شود، و انسان مقید به سنت نبوی، به شستن و تمیز کردن آن روی می‌آورد؛ به علاوه انبساط خاطر و باز شدن روحیه نیز، از فواید پوشیدن لباس روشن و سفید است.

از لباس شهرت پرهیز می‌کرد

رسول خدا ﷺ نهی می‌کرد که مردان، در لباس پوشیدن خود را شبیه زنان سازند، و نهی می‌کرد که زنان، در لباس شبیه مردان

۱. سنن النبی، ص ۱۲۰.

۲. «البسوا الثياب القطن فانها لباس رسول الله». سنن النبی، ص ۱۲۶.

۳. مکارم الاخلاق، ص ۱۰۳.

شوند.^۱

آن حضرت فرمود: «هر کس در دنیا لباس شهرت بپوشد (لباسی غیر معمول که به خاطر آن انگشت‌نما شود)، خداوند در روز قیامت جامهٔ ذلت و خواری بر او می‌پوشاند».^۲

کارهای مهم را با دست راست انجام می‌داد

گرچه غذا خوردن، لباس پوشیدن و مانند آن، کاری ساده، روزمره و عادی است، ولی روش و سیره‌ی اولیای دین در این زمینه‌ها هم برای ما مهم است.

پیامبر اکرم ﷺ هر گاه لباس و پیراهن می‌پوشید، ابتدا سمت راست را بر تن می‌کرد و هرگاه جامه از تن در می‌آورد، از سمت چپ شروع می‌کرد.

آن حضرت، انجام کار را با دست راست، و شروع از سمت راست را در همه‌ی کارهایش دوست داشت: در پوشیدن جامه و کفش، در شانه کردن موی و...

زبان‌ش را نگه می‌داشت

كَانَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَخْزِنُ لِسَانَهُ؛

زبان خود را از غیر سخنان مورد نیاز باز می‌داشت و کلامش

۱. همان، ص ۱۱۸.

۲. همان، ص ۱۱۶.

مردم را الفت می بخشید و آنان را دور و بیزار نمی ساخت.^۱
سخن بی جا، حرف های زشت، قسم خوردن های بی جا و بی مورد
و... هرگز از ایشان شنیده نشد.

هنگامی که مسلمانان برای جنگ بدر رهسپار بودند، در مسیر
خود به عربی بادیه نشین برخوردند. از او پرسیدند: «آیا سپاه قریش
را دیده است؟»

مرد پاسخی نداد.

به او گفتند: «به پیامبر خدا سلام کن.»

بیابان نشین ریشخند کنان پرسید: «آیا رسول خدا ﷺ میان
شماست؟»

مسلمانان گفتند: «بله، پس بر او سلام کن!»

مرد عرب نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: «اگر تو پیامبر خدایی، به
من بگو در شکم این شتر ماده من چیست؟»

«سلمه پسر سلامه» گفت: «این مطلب را از رسول خدا نپرس،
پیش من بیا، من به تو می گویم». آن گاه سلمه سخن نامربوط و
زشتی را به زبان آورد!

رسول گرامی ﷺ فرمود: «دست بردار، به مرد دشنام می دهی؟»
پس به عنوان اعتراض، چهره ی خود را از سلمه برگرداند.
آن حضرت در جنگ بدر، مسلمانان را از دشنام گویی به کشتگان

دشمن بر حذر داشت و فرمود:

«به ایشان دشنام ندهید، که این کار شما بر کشتگان تأثیری ندارد و بازماندگان‌شان را آزار می‌دهد. آگاه باشید که بددهنی، فرومایگی است.»

این بزرگوار در هشدارى به امت خود می‌فرماید: «به کسی دشنام مده. اگر دیگری به دروغ به تو دشنام داد، تو او را به چیزی که می‌دانی، بددهنی نکن؛ در این صورت، پاداش از آن تو و گناه از آن اوست.»^۱

با تبسم سخن می‌گفت

كان رسول الله ﷺ اذا حدث تبسم في حديثه؛

«سخن گفتن پیامبر ﷺ آمیخته به تبسمی ملیح و دل‌نشین بود.»^۲

متواضع و فروتن بود

«بوذر غفاری» نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ میان اصحاب می‌نشست. گاهی فردی غریب و ناشناس می‌آمد و آن حضرت را نمی‌شناخت، از جمع می‌پرسید: محمد کدام یک از شماست.»

آن بزرگوار، همواره در میان اصحابش حلقه‌وار می‌نشست تا امتیازی پیدا نکند، می‌فرمود: «ان الله يكره من عبده ان يراه متميزاً بين

۱. طوبی، شهریور ۱۳۸۵، شماره ۹.

۲. سنن النبی، ص ۴۸.

اصحابه؛^۱ خداوند کراهت دارد از آن بنده‌ای که، خود را برجسته‌تر از اصحابش بنگرد.»

نقل شده که روزی رسول خدا ﷺ با یاران خود همسفر بودند. در ساعتی از روز تصمیم گرفتند که استراحت کرده، برای غذا، گوسفندی را ذبح و آماده کنند.

یکی از اصحاب گفت: «سر بریدن گوسفند با من.»

دیگری گفت: «کندن پوست آن با من.»

سومی گفت: «پختن گوشت آن با من.»

چهارمی: ...

رسول اکرم ﷺ فرمود: «جمع کردن هیزم از صحرا با من.»
 جمعیت گفتند: «یا رسول الله! شما زحمت نکشید و راحت بنشینید، ما خودمان با کمال افتخار، همه‌ی این کارها را می‌کنیم.»
 رسول اکرم ﷺ فرمود: «می‌دانم که شما انجام می‌دهید، ولی خداوند دوست ندارد، بنده‌اش را در میان یارانش با وضعی متمایز ببیند که، برای خود نسبت به دیگران امتیازی قائل شده باشد.»
 سپس به طرف صحرا رفت و مقدار لازم خار و خاشاک از صحرا جمع کرد و آورد.^۲

۱. مکارم الاخلاق، ص ۱۶؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۶.

۲. کحل البصر فی سیره سید البشر، شیخ عباس قمی، ص ۶۸. (ر.ک: داستان راستان، شهید مرتضی مطهری، ص ۲۲).

هنگام خواب آیه الکرسی می‌خواند

پیامبر اعظم (ص)، پیوسته به یاد خدا بود، هم در دل و هم در زبان. آن حضرت هنگام خواب، به توصیه‌ی جبرئیل امین، «آیه الکرسی» می‌خواند.^۱

کارها را محکم و متقن انجام می‌داد

مایل بود کاری که انجام می‌دهد متقن و محکم باشد، تا آنجا که وقتی یار مخلصش، «سعد ابن معاذ» از دنیا رفت و او را در قبر نهادند، او با دست خویش سنگ‌ها و خشت‌های او را جا به جا و محکم کرد و آن‌گاه گفت: «من می‌دانم که طولی نمی‌کشد همه‌ی این‌ها خراب می‌شود، اما خداوند دوست دارد که هرگاه بنده‌ای کاری انجام می‌دهد، آن را محکم و متقن انجام دهد».^۲

اهل کار و تلاش بود

تلاش و کار، یکی از ویژگی‌های بارز رسول گرامی اسلام (ص) بود. او هم خود، کار می‌کرد و هم دیگران را به کار و پاداش دنیایی و آخرتی آن، ترغیب می‌فرمود. روزی رسول خدا (ص) با جمعی از اصحاب در محلی حضور داشتند.

۱. مکارم الاخلاق، ص ۲۸.

۲. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۰۷.

چشمان یاران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جوانی نیرومند و زیبا اندام افتاد که در اول صبح، به کار اشتغال داشت.

به آن حضرت عرض کردند: «یا رسول الله! اگر این جوان نیرومند، نیرو و انرژی خود را در راه خدا مصرف می‌کرد و به عبادت می‌پرداخت، بیش‌تر شایسته‌ی مدح و تمجید بود!»

حضرت فرمود: «این سخن را نگویند؛ این جوان یا برای تأمین معاش و بی‌نیازی از دیگران کار می‌کند، یا هدف او پذیرایی از پدر و مادر ناتوان خود است، و یا مقصود او سر و سامان دادن به خانواده و فرزندانش می‌باشد.

در همه‌ی این حالات، انگیزه‌ی او مقدس و کار او در راه خداست».^۱

آن حضرت خود نیز اهل کار و تلاش بود.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سنگ‌ها را به دوش خود حمل می‌کرد و دیوار خانه‌اش را می‌ساخت».^۲

آن حضرت، به کاشتن درخت بسیار علاقه داشت و خود، با دست‌های مبارک باغ احداث می‌کرد، تا خود و دیگران از آن نفع ببرند.

۱. المحجة البيضاء، ج ۳، ص ۱۴۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۸۱.

علی (ع) به سلمان فرمود: «ای اباعبدالله! باغی را که پیامبر با دستان خویش آن را ساخته و درخت‌هایش را کاشته است، برای فروش به مشتریان عرضه کن.»

سلمان نیز، آن را به دوازده درهم فروخت.^۱

آن حضرت در عرصه‌ی اجتماع نیز، مانند یک کارگر با جدیت کار می‌کرد و عرق می‌ریخت.

ایشان، هنگام تأسیس «مسجد قبا» (اولین مسجد مسلمانان)، هم‌دوش دیگران کار می‌کرد و سنگ‌های کوچک و بزرگ را حمل می‌نمود؛ به‌طوری که آثار گرد و خاک سنگ‌ها کاملاً در بدن او نمایان بود.

اگر شخصی از اصحاب پیش ایشان می‌آمد تا اجازه بگیرد، سنگ‌ها و خاک‌ها را ببرد، ایشان نمی‌پذیرفت و می‌فرمود: «نه، تو هم سنگ دیگری را بردار.»

بدین ترتیب، با کوشش آن حضرت و اصحابش، ساختمان مسجد به زودی به پایان رسید.^۲

۱. حلیة الابرار، سید هاشم حسینی بحرانی، ج ۱، ص ۲۲۱.
 ۲. معجم الکبیر، طبرانی، ج ۲۲، ص ۳۱۸.

با کسالت راه نمی‌رفت

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا مَشَىٰ مَشَىٰ مَشِيًّا يُعْرَفُ أَنَّهُ لَيْسَ يَمْشِي عَاجِزًا
وَلَا بِكَسْلَانٍ؛^۱

نحوه راه رفتن حضرت رسول ﷺ، استوار و متین و با قدرت و
استواری بود.

این گونه محکم و استوار راه رفتن ایشان، نشانه‌ی عاجز و سست
و کسل نبودن حضرت بود.

پایان